





محمود دولت آبادى از حال و روز خودش و جامعه ايراني مي گويد:

اميدوارم مردم به خودشان نگاه كنند

طرح نو| اسالهاســت حقوق مدنی و انسانی من، حق کار، باز نشستگی، بیمه نشــر آثار و حق پیگیری سرقت

وقتی مطرح کرد که کتاب کنانیا بار گردانی که قابل تاییدش نبود در بازار نشــر ایران خریدر فروش شد. (البته با وجود تمـام پیگیری های دولت آبادی، هنوز همراین موضوع حل نشــده اســتا) او رامی توان جزو منتقدان و

در جو سیایید بینی در توسید بینید فعالان اجتماعی دانست که درمانی مرمی نویسند. ایا بین وجوداما رمان هایش آن قدر مورد توجه جامعدادیی مور دم قرار گرفت که خیلی هادو وجد یکر یعنی فعال اجتماعی ومنتقد اجتماعی بودن توبسنده کتاب روز گار سپری شده مردم سالخوردی از اگر نادیده نگرفته باشندا) تاکفته گذاشته اند. گفت وگوی رشهروند، ایا بین نویسنده.

آثارم در سينماو تلويزيون زير پاله شدهاس

مطالعه ادبيات دارند امانس

در میان مردم موج می زنداما حل این ماجرا

من و امثال من نیست. من تلاش خودم را کردهام

اما نمى توانم بەعنوان يىك خوانندە اظُهارنظر كنم.

تا آنجایی که به آثار خودم مربوط می شـود همیشه

مردم از کتابهایم استقبال کردهاند. آنها کتابهای

مرامی خوانند و به تک تک شان علاقه مند هستند. اما این که چرا مردم نمی توانند کتاب بخوانند یا

ر شـــرايط اين روزهاي جامعه،شــنيدهام عامه مردم

ر ... "یا روز اقبالی به کتابخوانی نشان نمیدهند. در این میان نقش شهرداری تعیین کننده است. همین چندوقت

ن متوجه شدم آقای مسجد جامعی می خواهد ہ۔ ں کر ۔ کارہایی را در این زمینہ انجـام دھدواز طرحھایی

ىخن مى گفت كە مى تواند مردم را بە كتاب ترغيب

کند. با وجود ایسن، اینکه مسردم از حوصله رفتهاند

مسأله أي اجتماعي-اقتصادي استُ كه بايد از جانب

کسانی که مسئول هســتند مورد توجه قرار بگیرد. این موضوع به شدت حساس است، چرا که اگر افراد

ئول در این زمینه دقت کافی را نداشته باشند و راه حلی پیــدا نکنند، ســکوت، بیحوصلگی و هدر

وقتشان اجازه نمىدهــدبحث ديگرى اس

• آقای دولت آبادی فعالیتهای این روزهای شمابیشتر حول محور چه موضوعاتی است بیشتر مشغول کار روی ادبیات کلاسیک هس هنرجویاُن ادبیات پیشُ مـن آمدهاند تا در کنار هم ادبیات کلاسیک پارســی را بخوانیم. در عین حال مجموعــه ای از ادبیات کلاســیک را آمــاده چاپ

• حال و احوالتان خوب هست؟ من عادت کردهام، تحمل می کنم، بنابراین دیگر بد

• اگر قرار باشد یک دقیقه چشمانتان را ببندید و جامعهای کـه در آن زندگی می کنید را در نظر آور بدو آن را تحلیل کنید چه بخشیر از این شــهر و دیار ذهن شما را بیشتر متوجه خودشمی کند؟

با بدهد، تا بعد بخواهید دربـــارهاش فکر کنید. متاسفانه آلودگی محیطریست از حدود عادی پا را فراتر گذاشّته است. نمیدانم کسانی که مسئول این مشکل جدی هستند می خواهند چه کنند؟ -نمیدانــم می توانند برای این دغدغُــه راه حلی پیدا کنند یا نمی توانند؟ مـن نمی دانم اما این رام ، دانم که آدمهای شهر من وقتی برای رسیدن به مقصدی از خانه خارج می شوند، نفس هایشـــان می برد. این اتفاق خوبی نیســـت! بنابراین وقتــی فرآیند تنفس دچار اشکال باشد، دیگر نوبت به تحلیل امور نخواهد

• هنــوز هم در میان شــلوغی بــازار و جایی که میشــود مردم را بدون واسطه دید حضور پیدامی کنید؟ در سفرنامههایی که خارجی ها از ایران و مردمش نوشتهاند آنها را افرادی اهل معاشسرت مي دانند. بااين وجود خيلي ها می گویند موقعیت امروز ایران با سال هایی سور مردم در مجامع و محلهای شلوغ برایشان پیام آور همنشینی، دوستی و . ت.بود،متفاوتاست.

بله هنــوز هم به جاهای شــلوغ شــهر میروم. متاسـفانه امروز مردم با هم بیگانه شدهاند. از نظر من دلیل این همه بیگانگی، فشــار عامی است که روی جامعه شهری ما وار د میشود. فشار به وجود أمده عصبيت ايجاد مي كند، بــه همين ترتيم عصبیت ایجاد شده به هر حال از جایی خارج میشود و دامان دیگری را میگیرد. بارها دید بن عصبانیت در بین شهروندان حتی الفاظ را هم درگیر خودش می *کند*، رانندگی سخت میشود، اصلا در شهر بودن سخت است. شهروندان جامعهای که مردمش اهل زندگی بودند و از گذشــتههای دور در کنــار هم زیســتهاند، امروز تحمل همدیگــرُ را نُدارند. تحمٰلَ بــودن دیگرُیُ هم وجود ندارد، شُنیدن نظر مخالف و تحمل آن توقع بسیار بزرگی است. ما مردم مهربان و دوست داشتنی بوده ایم و حسن نیت از سراسر رفتار مان می بارید، اما امروز این مردم بدخو شده اند، به عبارت بهتر فشــارهای موجود آنها را . حبرت بهتر حسورت و توجوه انهه را بدخو کرده است. در این شــرایط فقط می توانم

• كتابهاى شماخيلى هارابه سمت خواندن واندیشیدن وا داشته است. به عنوان کسی که هنوز هــم در عرصههای عمومــی حضور پیدا می کند و درباره اندیشهها و نوشتهها حرف میزند، شـرایط امروز کتـاب و کتابخوانی در

رفتن زمان تبدیل به بغرنجی میشود که محصول جامعهمان راچگونه تجزیه و تحلیل می کنید؟ خوبی بــه بار نخواهد آورد. خواســت همیشــه من اشــاعه فرهنگ و آزادیهای قانونی بوده و امروز هم هر کسی باید کار خودش را انجام دهد. کار من هم نوشتن است و بس!اما بررسی چرایی کتاب نخواندن همچنان این خواستها برایم در اولُویت هسّتند. امیدوارم مردم به خودشان نگاه کنندو ببینند چه مسردم ايران يسك مطالعه عميق جامعه شسناختي می طلبد. هدر رفتن زمانهایی را که افسراد برای اتفاقاتي برايشان افتاده كهبه اين وضع دچار شدهاند بت به آن رقبتی از خود نشان نمی دهند، به یک امر معمولی مبدل شده •شـماً در زمره منتقـدان اجتماعـي ايران است. باید افراد موظف به خُدمت، تلاش کنند تا دلایل این ماجرا مشخص شود. امروز بی حوصلگی

». صراحت از سخنان محمود دولت آبادی می بارد. او جمله بالارا

هستید. بـه نظرتـان چـرا فاصلـه میـان روشنفکران و جامعه همچنان زیاد است؟ این دردی است که ما در سراسر تاریخ معاصرمان لمسش کرده ایم تاجایی که گاهی روشنفکران پشت امواج توده ها گم شده اند. از سوی دیگر اگر بخواهیــم این فاصلــه را کاهش دهیم چه کاریبایدانجامدهیم؟

به نظر من اگر خـود مردم فرصت کافی داشــته باشــند کارهایی را که باید، انجــام می دهند. تجربه شـخصی من می گوید آثار من به واسطه خود مردم به مردم ارایه شــد. این دقیقا همان کاری اســت که . ر ر ۱ ر ... جامعه به صورت خودبه خــودی انجام می دهد. اگر موانع بر ســر راه بر داشته شــوند، این اتفاق خود به خُود خُواهدافْتَاد.نيازى به هيچُ كار اضّافى ن به هر حال افرادی چون من که به جامعه خویش نگاه انتقادي دارند، با اين كار دارند علاقه خود به جامعه رانشان می دهند، آنها جامعه خود را دوست دارند. . کسانی هم که مسئولیتی برای اداره جام گرفته انداحتمالا جامعه خود را دوست دارند، انشالله که دوست بدارند باید آرزو کنیم راه حلی واقع بینانه از میان این دوست داشتن های متقابل به وجود بیاید و مردم باز هــم فرصت کنند بیندیشــند. آنها باید

> • مناســفانه امروز مردم با هم بیگانه شــدهاند. از نظر من دلیل این همه بیگانگی، فشار عامی است که روی جامعه شهری ما وارد می شود. فشــار به وجود آمده عصبیت ایجاد می کند، به همین ترتیب عصبیت ایجاد شــده بههرحال از جایی خارج می شود و دامان دیده به همین ترتیب عصبیت ایجاد تسده به هر حال از جایی حارج می شود و دامان در گیر خودش می کند، راند بخده این عصبیت ایجاد در گیر خودش می کند، راندگی سخت می شدود اصلا در شهر بردن سرخت است. شهروندان جامعه ای که مردمتی اطار زندگی بودند و از گذشت:های دور در کتار هم زیستاند امروز تحصل همدیگر زادارند.

> • اگر خود مردم فرصت کافی داشته باشـند کارهایی را که باید، انجام میدهند. ه از خوده رودم فرصت نافق ناسته پاست نارهایی را نه پاید، انجام می دهند. نجایه شــخصی من می گوید آثار من به واسطه خود مردم به مردم ارا یه شد. این دقیقا همال کاری است که جامعه به مسورت خودبه خودی انجسام می دهد. اگر مواقع بر سر راه برداشته شوند، این اتفاق خود به خود خواهد افتاد. نیازی به هیچ کار اضافی نیست.

> • این که مردم از حوصله رفته اند مساله ای اجتماعی - اقتصادی است که باید از جانب ، بین حرار رخوس از بین مستند مورد توجه قرار بگیرد این موضوع به شدت حساس است. کسانی که مسئول هستند مورد توجه قرار بگیرد این موضوع به شدت حساس است. چرا که اگر افراد مسئول در این زمینه دفت کافی را نداشته باشند و راهحلی پیدا نکننده. سسکوت، بی خوصلگی و هدر رفتن زمان تبدیل به بفرنجی می شود که محصول خوبی

ساس کنند تاحدودی آزادی دارند و تاحدودی می توانند بیندیشـند و مجبور به ریاکاری در همه سطوح نیســتند. در این میان هر کسی کار خودش ِ امیکند. به عنوان مثال یک خواننده مو،

او باید کار خــودش را ارایه دهــد و در ادامه در میان کارهایی که دیگران هم ارایه دادهاند حق انتخاب ر به شنونده بدهد. این نگاه واقع بینانه و منطقی است کند. من هم پیرو همین نظــرم و معتقدم آثار ادبی و هنری و ســلیقههای مختلفی که می آیند و ارایه میشوند توسط مردم انتخاب و توسط همین مردم هم به دیگران معرفی میشوند. تجربه شخصی من در این زمینه تجربه مثبتی بوده است. امیدوارم فضا به گونهای باشد که این تجربه برای دیگران هم پدید

• ترجمــه کتــاب کلنل مدتهاس اجازه شـما در بــازار کتــاب خریــد و فروش می شود. در چنین بازاری اندیشه و حقیقت اندیشیدن، حرفی برای گفتن دارد؟ به عبارت بهتر می شود توقع داشت با وجود نادیده گرفتن حقوق مولف، مصنف، شــهروندو ... جهشى روبه جلوراببينيم؟

ین کار جعل، تحریف و دسیســهای اســت که به عمداًنجام گرفته است. این که بیایی و کتابی را از زبان دیگری به هر نحوی که دلت می خواهد به فارســی برگردانی و چاپش کنی و بعداز این که وزارت فرهنگ و ارشاد هم جلوی آن کار را می گیرد به کار چاپ و آن ادامه دهی، جز دسیسه هیچ چیز دیگری ت. اثر پارهای از وجود من است که زخمی اش تُوزُيع آن ادامه دهي، جز دسيس . كردنــد.اينُ اتفُــاق هُنُوز جارى، ضعــف حُقوقي در . جامعه ما را نشـــان می دهد. من حـــدود ۵ ماه پیش ا الایحهای را برای مطرح کردن شکایتم نوشتم و قرار شد به و کیل من وقت بدهند و موضوع را حل کنند. (اماتازهُ مراجع حَفُوقى براى ماه أينده بهُ وكيل وقت دادهانــد). این موضوع خودش گــواه بی|رزش بودن زمان در ایران است. زمان از دست می رود و پیگیری قَضایی با تأخیر و بی اعتنایی انجام می گیرد. بروز این مشکلات یعنی فقدان قانون و قانونمندی در مقوله نشر در ایران. این کار (بازگرداندن اثری رفارسی از زبان ترجمه به فارسی و چاپ و توزیع آن)همه جرم من در محضر معاون ارشاد و عدمای از اهل نظر در مورداین موضوع صحبت کردم. گفتم حقوق زنده من جعل شده است. من بايد به كجا شكايت كنم؟ قوانین ما باید در حوزههای نظار تی نشر بازبینی شود. در همانجا گفتم كار شما فقط اين نيست كه فلان شعر یا فلان پاراگراف را حذف کنید یا جلوی انتشار فلانُ کتاب را بگیرید. شــما که حکم قیموُمت برای خود قائلید، نباید بگذارید اثری کــه پارهای از وجود نويسنده است پايمال شُود.

من هر جایی کــه لازم بوده اعتراض و انتقاد کردم اما آدمی باسن و سال مُن، مُگر کلاً چقدر انرژی دارد که بخواهد قسمت فراوانی از آن را در سر این کار از بین ببرد؟! به هرحال مساله را به وجدان جامعه و ر مسئولاتی که خود را ناظر بر امور فرهنگی می دانند حاله داده ام من با انتشــار این کتاب جعلی مخالفم و ناراحتم از این که اسم مرا پشت کتابی گذاشتهاند که من آن را جعل و کذب می دانم. در این کار عمد وجودداردامامن فقط مي توانم بهمردم بگويم، كتاب مزبور به من تعلق ندار د.



زین دو بر باطن تو استدلال گیر فعــل و قول آمد گواهــان ضمير بنگـر اندر بول رنجـور از برون

چون ندارد سیر سرت در درون



بربادر فتن دودمانها

ويكتورهو گو

اعمال اشـخاصند که این ت. أبن أقا حب اح " در مواقعی که هــوا تاریک . سیآید؟ چرافلان آقاهر گز روزهای پنجشنبه کلیدش ا به مینخ نمی آویزد؟ چرا رفت و آمد مي کند؟ جرا

ر فلان خانم همیشه پیش از رســیدن به خانه از درشکه پُياده ميشود؟ چُرا ُفلان خانم دستور خريد يک بسته

در صورتی که «جعبه کاغذ و پاکتش پر است»؟ و _ سی در این عالم هستند که برای کشف این معماهاکهدر حقیقتبرای خودشان کاملابالسویه معماها دهدر حقیقت برای خودشان دامه بریاسویه است بیش از آن پول خرج می کنند و بیش از آن وقت تلف می کنند، و بیش از آن زحمت به خود می میدهند که برای درما کار خوب لازم باشد و این همه به رایگان و برای تفریحشان است. بی آن که از ایس کنجکاوی کوچکتریس نتیجه جز همان

کنجکاوی حاصــل دارند. این مردیا آن زن را روز و شب دنبال می کنند، ساعات متمادی، کنیج دیوارها، زیبر درهای و زير باران ميمانند، دلالها را پیشـخدمتها را تحریـک سی کنند، گیس سفیدی را به پول میفریبند، زیر پای دربانی ا می کشیند، برای چه؟ برای یج! ولع محض بــرای دیدن دانســـتن و نفوذ کردن، حکه

خُالص براى گُفتُسن. و غُالبااين رازهاچون دانسته شد، اين اسرار چون انتشاريافت، بن معماها حون از بر دوسرون افتاد، حوادث ناگوار، یں۔۔۔۔۔۔ پری/رپرد۔۔یروں۔۔۔۔۔ بوصف بورہ جنگھای تنبہتن، ورشکستگیھا، بر باد رفتن دودمانھا، پایمالشــدن زندگیھااز آنها حاصل ی چید و سید افرادی می شود که بی آن که می آید و مایه مسرت افرادی می شود که بی آن که از ایسن کار طرفی بربندند، فقط بـه حکم غریزه،
«همه چیز را کشف کردهاند». واقعا استفانگیز

برشى از رمان بينوايان



ىكخبر اىكنگاه

بستههای حمایتی برای کودکان کار

طرح نو رئيس سازمان مدارس غير دولتي، مشار کتهای مردمی و خانواده به ایسنا گفته است: «باید کودکان کار ادامه تحصیل دهند. ما آمادگی داریم هزینه بستههای حمایتی کودکان

کودکان کار با بیان این جمله، از سوی مسئولی دولتی به احتمال، عاقبت به خیر خواهند شد زیرا با وجــوداین که در زمینه حمایــت و بهبود وضع کودکان کارهر چند تعدادی از موسسات مردم نهاد در حال تلاش بوده و هستند اما مسئولان دولتی تاکنون چندان به این موضوع نپرداخته و گامی موثر كه بتواند حوايج آنهارارفع كند، برنداشتهاند رهمین اساس است که اغلب این کودکان در ر بر این کلاسهایی که موسسات مردم نهاد با کمک معلمان داوطلب برایشان تـدارک می بینند، به آرزوی درسُ خواندُن می رسند. دُر بخش عمومی هم گزارش ها و اخباری که رسانه ها درباره این گروه مُنتشر کرده و می کنند، توجه به مشکلات و خطراتی که کودکان کار را تهدید می کند، بین

مردم رواج داده است اما در بعد کمکهای دولتی و در زمینــه برنامهریزی و سیاســتگذاریهای کلان، خبر چندانی از این حوزه شنیده نمیشود حتی گاهی از سوی مسئولان سخن هایی شنیده می شـود کـه موجودیـت کـودکان کار راانکار می کند. بهعنوان نمونه، فاطمه آلیا یکی از اعضای کمیسیون اجتماعی مجلس سال گذشته بابیان این که کار کودکان در کشور ما محدود و مقطعی است، گفته بود: پدیدهای به نام کودک کار به شکل رسمی و تأیید شده در کشور ما وجود ندارد. اما خبری که مرضیه گرد (رئیس سازمان مدارس غیر دولتی، مُسار کتهای مردمی و خانواده) در همایش کارشناسان مشار کتهای مردمی درباره فراهم كردن هزينه بسته هاى حمايتي اين كودكان ت،حداقل می تواند نقطه مثبتی تلقی شود که نشان از توجه به مسائلی است که تا به حال نادیده گرفته شدهاند، زیرا نخستین قدم برای حل مشکلات کودکان کار، دیدن آنها و مشکلاتشان



بخت نذري در كربلا



